



۲۰۱۳/۱۲/۲۳



صالحه وهاب واصل

ضرورت فعلی، عینی و حتمی ملت افغانستان

در جهان سیاست امروزی داغترین و پر آوازه ترین موضوع، فعلاً موضوع دومین انتخابات پارلمانی افغانستان است، که البته از نظر سیاسی و اجتماعی و همه جهات دیگر حایز اهمیت فوق العاده مبرمی برای دولت و مردم افغانستان و هم ممالک نیدخل خارجی می باشد.

همه شاهدیم که امروز باز هم ملت ستم کشیده افغانستان، یکبار دیگر با هزاران سؤال در لب خاموش، و هزاران چهره نا آشنا در نگاه های خسته، در ظاهر به نام یک تبعه افغانستان و در پشت پرده وسیله خوب استفاده برای بُرد توانایی و قدرت افزایی زمامداران وقت و تجاران سیاسی، در میدان تاخت و تاز کرسی طلبی در برابر یک تصمیم تثبیت شده سیاسی، زیر نام (انتخابات آزاد اما در واقعیت محدود) قرار گرفته اند. آن ملتی که از ۲۶ میلیون نفر شاید فقط ۵ میلیون آن «امکانات» رأی دادن در سراسر افغانستان را داشته باشند، آنهم تحمیلی... و ازین ۵ میلیون فقط ۵۰ هزار آن بدانند که حق رأی آزاد دارند، اما، ما میدانیم که اختیار آنرا ندارند.

از سالیان متوالی به این سُو نه تنها خود ملت افغان، بلکه جهانیان علاقمند به سیاست و ستراتیژی دولت افغانستان، هم با چشم باز و لب خاموش شاهد اند که: نا امنی و حملات مخالفان مسلح دولت روز تا روز بیش و بیشتر شده و بحران های اختلاس، فساد های اداری و غیر اداری و قانون شکنی ها به نحو غیر قابل پیش بینی گسترش یافته است. بالاخص درین اواخر که مخالفان دولت و ملت برای به کرسی نشاندن مقاصد شوم شان، تحت نظر حامیان خارجی خویش برای لغو ساختن پلان های آمادگی برای انتخابات، با افواها و تبلیغات ضد دولتی و مردمی، تخم عدم اعتماد را در بین مردم و دولت پاشیده و به اصلاح عام ما (آب را خت کرده خود شان ماهی میگیرند). به سرعت عجیبی وسعت بخشیده اند.

طی دوازده سال اخیر سیاست دولت افغانستان، با وجود آنکه دولت در آوردن صلح و ثبات و امنیت در کشور قادر شده نتوانست، و حملات راکت و توپ و تفنگ و آوان به حملات انتحاری میدل گردید. نادیده نباید گرفت که ملت افغانستان چه در داخل و چه در بیرون از افغانستان، شاهد یک سلسله انکشافات و پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی خصوصاً اعماری و ساختمانی بوده است. گرچه؛ اگر این پیشرفت ها و انکشافات را در یک پله ترازوی عدالت و کمک های پولی و مالی بین المللی را در پله دیگر آن قرار داده، وزن کنیم، قابل مقایسه نیست. اما فعلاً بحث روی این موضوع را درین مقاله گنجانیدن کار مدبرانه نخواهد بود. به هر حال.

اگر برسیم بالای اصل مطلب، توقع مردم ازین انتخابات و نقش مردم در آن چه خواهد بود؟

امروز پیشرفت های تکنالوژی، برای مردمان روشنفکر و جوانانیکه فعلاً بعد از سه دهه خانه جنگی ها و قتل و کشتار، هنوز در اقلیت قرار دارند، زمینه را مهیا ساخته است تا برای وسعت بیشتر افکار و علم و دانش شان، از طریق انترنت به رسانه ها و امکانات علمی و متمدن دسترسی حاصل کرده در انکشافات ذهنی و تقویة سوییة تحصیلی شان جد و جهد نمایند. لهذا این مردمان روشنفکر و روشن بین، سعی می کنند تا برنده این انتخابات، شخص با اعتباری باشد، که مسؤولیت اش را به صفت نماینده یک مملکت بیست و شش تا سی میلیون نفری دانسته، برای اهداف ملی و مدنی کشورش تعهد کند نه برای مفاد و پُر سازی جیبش، ملت افغانستان را یک ملت واحد، بداند. انشعابات در مذهب و قوم و قبیله را نپذیرفته هر تبعه افغانستان را با هوئیت افغانی بودنش از خود و وابسته به افغانستان و ملت افغانستان بداند. از همه مهمتر اینکه مردم به او اعتماد کنند. میرهن است که انتخاب و پیدا کردن همچو شخصیتی، در حال حاضر در افغانستان علاوه بر مشکل بودن، نا ممکن هم به نظر می آید. زیرا؛ در این انتخابات پارلمانی، مانند دفعه قبل، دانایی و توانایی ذهنی و آگاهی سیاست دولتی و اجتماعی شخص، مطرح نبوده، بلکه پول و دولت و دارایی و قدرت ضربوی شخص، شخصیتش را بر مردم تحمیل نموده و می قبولاند. بدون هر نوع شک و فارغ از هر نوع تردیدی به صراحت گفته می توانم که این انتخابات همچنان مانند انتخابات قبلی، شفاف نبوده و بخش عمده بُرد در آنرا خریداری مردم غریب و محتاجیکه، حتی معنی انتخابات را

هم به خوبی نمی دانند و حتی حاضرند که برای یک شکم نان اطفال شان، هرکاری را بکنند، تشکیل می دهد. لهذا همچو انتخابات جز یک انتخابات نمایشی چیز دیگری بوده نمی تواند.

اما، من بصفت یک تبعه افغانستان، درخارج از وطن، نقش ملت افغانستان را درین انتخابات پارلمانی بسا مهم و ارزنده دانسته سرنوشت، بازسازی و نوسازی سیاست دولت و مملکت، هردو را وابسته به رأی آزاد و مسؤولانه هرفرد ملت در انتخابات ریاست جمهوری میدانم. هدف بنده از مسؤولانه رأی دهی مردم شریف افغانستان این است که:

- گذشته شخصیت های کاندید شده را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند،
- قضاوت های شان به اساس پی آمد گفته های هر زبان نه، بلکه به اساس واقعیت های عینی جامعه صورت گیرد،
- در انکشاف سطح آگاهی مردم و ترویج سیستم رأی دهی در زمینه انتخابات کوشا باشند،
- از قضاوت های منفی و تبعیضات قومی و قبیله ای جداً جلوگیری نمایند،
- مردمان واجد شرایط رأی دهی را با تبلیغات مثبت و تشویق آمیز وادار به رأی ساخته شرایط رأی دهی را برای شان ممکن سازند،
- به کمک قوای دولتی بر حفظ امنیت منطقه بکوشند،
- از تبلیغات نادرست و بد نام کننده کاندیدان انتخابات جداً بپرهیزند،
- تجارب، پشتکار، صداقت و راستگویی کاندید ها را ارج بگذارند و پشتوانه خوبی برای شان باشند.

در صورت غور بر گفته های بالا نتیجه چنین می شود که مردم و ملت افغانستان امروز از همه مهمتر طالب و محتاج امنیت سر تا سری در کشور و اعتماد بر دولت می باشند زیرا هیچ عنصر آرامش، پیشرفت و انکشاف در حالت نا امنی و بی اعتمادی به مسؤولین دولت، در کشور ممکن بوده نمی تواند. شایعات زیادی را هر طرف در رسانه های شخصی و دولتی مطالعه می کنید که گفته می شود راه بیرون رفت از این همه بدبختی ها بلند رفتن سطح آگاهی و سواد علم و دانش است. بدون شک که این یک حقیقت است اما، آیا آموختن این سواد و بلند بردن سطح آگاهی در حالت نا امنی ممکن است؟

طی دوازده سال اخیر با وجود تبلیغات بیش از حد موجودیت امن در سراسر کشور، ما و شما همه شاهد بیشتر از صدها واقعه دلخراش و نابخشودنی، مانند: مکتب سوزی ها، تیزاب پاشی ها به روی دختران نوجوان و جوان مکتب رو، مسموم سازی شاگران مکتب، سرقت اطفال از صحن مکتب ها، انتحاری های وقت و بیوقت در نقاط مختلف شهر ها و قریه جات و..... بودیم، که این واقعات خود بخود سبب شکست و کاهش اعتماد مردم و ملت بر دولت می گردد.

روی این ملحوظ ضرورت عینی، حتمی و فعلی مردم افغانستان اول اعتماد و دوم امنیت سر تا سری کشور است. تا بر مبنای این دو اصل اساسی بتوانند تأمین صلح مملکتی و وحدت سر تا سری را به اتفاق آرا در کشور، رقم زنند.

و من الله توفیق

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ